



دین از چه راهی می‌تواند قدرت تولید کند؛ ثروت هم می‌تواند علم تولید کند

قدرت دینی می‌تواند قدرتی جامع‌تر و پایدارتر از قدرت غیر دینی باشد، این قدرت، فقط به کنترل طبیعت نمی‌انديشد، بلکه کنترل نفس، جامعه و رابطه با خدا را نیز در بر می‌گیرد.

قدرت دینی می‌تواند قدرتی جامع‌تر و پایدارتر از قدرت غیر دینی باشد، این قدرت، فقط به کنترل طبیعت نمی‌انديشد، بلکه کنترل نفس، جامعه و رابطه با خدا را نیز در بر می‌گیرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام قاسم ترخان عضو هیئت علمی گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در نوشتاری به موضوع ارجحیت علم دینی و علم سکولار پرداخته و نوشته است

می‌خواهم درباره یک سری نگاه‌های فلسفی به علم صحبت کنم و سپس ارتباط آن با قدرت و دین را بررسی کنم. این مباحث از دیرباز مطرح بوده‌اند، اما در سالیان اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند.

دو نگاه اصلی به علم: از نظر تاریخی، دو نوع نگاه به علم وجود داشته است:

۱. نگاه معرفتی یا شناختی: که در آن هدف اصلی علم، کشف واقعیت و رسیدن به حقیقت است. در این دیدگاه، علم ابزاری برای شناخت جهان واقعی و تبیین پدیده‌های موجود در آن است.

۲. نگاه کاربردی یا ابزاری: در این نگاه، علم به عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت، کنترل طبیعت، پیش‌بینی پدیده‌ها و رفع نیازهای عملی بشر دیده می‌شود.

در مراحل از تاریخ علم، به ویژه در عصر حاضر، بیشتر به نگاه دوم توجه شده است. یعنی هدف اصلی از علم، دستیابی به قدرت، فناوری و کنترل بیشتر بر طبیعت و جامعه قلمداد شده است. از نظر ما این دو نوع نگاه می‌توانند جمع شوند بالاخره شناخت واقعیت موجب می‌شود که انسان قدرت پیش‌بینی پیدا کند. «العلم السلطان» (علم سلطان است). اما سوال اینجاست: «علم چگونه سلطان است؟» یعنی چه نوع قدرتی از طریق علم به دست می‌آید و چگونه می‌توان این قدرت را درک کرد؟

علم و قدرت: علم می‌تواند از دو جهت به انسان قدرت دهد:

• قدرت پیش‌بینی: یعنی اینکه بتوانیم پیشامدها را پیش‌بینی کنیم، بدون اینکه لزوماً واقعیت پشت آن را کشف کرده باشیم. مثلاً در نجوم بطلمیوسی، هرچند تصویر واقعی منظومه شمسی را نمی‌داد، اما امکان پیش‌بینی حرکت اجرام سماوی را فراهم می‌کرد. این هم نوعی قدرت است.

• قدرت کنترل و دست‌یابی: وقتی علم به ما واقعیت را کشف کند، می‌تواند به طور مستقیم ابزارهایی برای دست‌یابی به طبیعت، فناوری، و رفع نیازهای انسانی فراهم کند.

علم دینی و تلفیق آن با قدرت:

در بحث علم دینی، نگاه به علم به گونه‌ای است که علم نه تنها ابزاری برای کنترل و قدرت باشد، بلکه همراه با کشف واقعیت‌های وجودی و کیهانی باشد. یعنی علم دینی، علمی است که:

• واقعیت‌ها را کشف می‌کند (نگاه معرفتی)

• در عین حال، قدرت و فناوری تولید می‌کند (نگاه ابزاری)

بنابراین، علم دینی می‌تواند هم به عنوان کاشف از واقعیت و هم به عنوان منبع قدرت عمل کند. این دو جنبه در علم دینی با هم تلفیق می‌شوند.

دین نیز می تواند قدرت تولید کند. چرا؟ چون دین دارای گزاره های هستی شناختی (یعنی گزاره هایی درباره وجود و حقیقت) و گزاره های ارزشی (دستورها و ممنوعیت ها) است. این گزاره ها می توانند:

• جهت دهنده باشند (چه برای علم و چه برای عمل)

• معیار قضاوت شوند (در مورد درستی یا نادرستی علم و فناوری)

• قدرت تولید کنند (چه در سطح فردی و چه در سطح جامعه)

بنابراین، دین نیز می تواند به نوعی منبع قدرت باشد، به خصوص اگر بتواند جهت دهی کند و ابزارهایی برای دست یابی به واقعیت و اهداف اخلاقی فراهم کند.

تفاوت قدرت علم دینی با قدرت علم غیردینی:

قدرتی که از علم دینی ناشی می شود، ممکن است از نظر ماهیت و جهت گیری با قدرت علم غیردینی تفاوت داشته باشد. چرا؟ چون علم دینی:

• تنها به قوانین مادی و طبیعی تکیه نمی کند، بلکه

• قوانین الهی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی را نیز در نظر می گیرد.

• در واقع، علم دینی با تلفیق تمامی این عوامل، می تواند قدرتی جامع تر و پایدارتر تولید کند.

مثلاً، در یک جنگ، یک طرف ممکن است از تجهیزات و فناوری بیشتری برخوردار باشد (علم غیردینی)، اما طرف دیگر با اتکا به عوامل معنوی، ایمان، اخلاق، و جهت گیری های الهی، قدرتی پایدارتری پیدا کند. این نوع قدرت، قدرتی است که نه تنها از طریق فناوری، بلکه از طریق تلفیق علم و دین تولید می شود.

علوم دینی و ساخت تمدن

اگر قرار باشد تمدن اسلامی شکل بگیرد، یکی از عناصر کلیدی آن، علم دینی است. چرا؟

چون تمدن، نه تنها از سخت افزار (فناوری، امکانات مادی) تشکیل می شود، بلکه از نرم افزار (ارزش ها، جهت گیری ها، ایدئولوژی و ...) نیز پدید می آید. علم دینی می تواند این دو را با هم تلفیق کند و تمدنی پایدار، عادلانه و هماهنگ بسازد.

در مجموع، می توان گفت:

• علم قدرت است، چه از نوع کشف واقعیت (معرفتی) و چه از نوع کاربرد و پیش بینی (ابزاری).

• دین نیز می تواند قدرت تولید کند، چون دارای گزاره های هستی شناختی و ارزشی می باشد.

• علم دینی، با تلفیق این دو، قدرتی جامع تر و پایدارتر را می تواند تولید کند.

• بنابراین، برای ساخت تمدن اسلامی، نیازمند علمی هستیم که هم واقعیت ها را کشف کند، هم قدرت تولید کند، و هم جهت دهی اخلاقی و معنوی داشته باشد.

در ادامه گفتار قبلی مان درباره رابطه علم و قدرت، می خواهیم درباره ارتباط علم، قدرت و ثروت صحبت کنم و در این میان، نقش دین در تولید و جهت دهی این سه عنصر را نیز بررسی کنم.

۱. رابطه متقابل علم، قدرت و ثروت

ما در عصر حاضر شاهد یک تعامل چندجانبه بین سه مفهوم علم، قدرت و ثروت هستیم:

• علم قدرت تولید می کند: علم، به خصوص علم کاربردی، ابزاری است برای دستیابی به قدرت. این قدرت می تواند به شکل کنترل بر طبیعت، پیش بینی پدیده ها، یا دستیابی به فناوری باشد.

• قدرت ثروت تولید می کند: وقتی قدرت در دست گروهی قرار گیرد، می تواند منابع را به نفع خود هدایت کند و این منابع، ثروت تولید می کنند.

• ثروت هم می تواند علم تولید کند: چرا که ثروت، زیرساخت های لازم برای تحقیق، آزمایش و توسعه علمی را فراهم می کند.

این سه عنصر در واقع در یک حلقه متقابل با یکدیگر قرار دارند. هر کدام می توانند هم سبب و هم معلول باشند. اما سوال مهم این است: چه جهت گیری ای این حلقه را هدایت می کند؟

۲. نقش دین در این رابطه

دین نیز می تواند در این تعامل وارد شود. آیا دین:

• علم تولید می کند؟

• قدرت تولید می کند؟

• ثروت تولید می کند؟

در دیدگاه دینی، به ویژه در اسلام، دین فقط یک سری دستور و نهی نیست، بلکه دارای یک چارچوب هستی شناختی، ارزشی و عملیاتی است که می تواند:

• جهت دهی کند (چه به علم، چه به قدرت و چه به ثروت)

• منبع قدرت باشد (قدرت معنوی، اخلاقی و اجتماعی)

• منبع تولید علم باشد (علم دینی که همراه با شناخت واقعیت است)

• منبع تولید ثروت باشد (با توجه به ارزش های اقتصادی و اجتماعی دین)

۳. دین چگونه قدرت تولید می کند؟

دین از طریق چند مسیر می تواند قدرت تولید کند:

• تقویت ایمان و روحیه: این عوامل معنوی، قدرت انسان را در مواجهه با چالش ها افزایش می دهند.

• ایجاد انسجام اجتماعی: انسجام و همبستگی جامعه، قدرت جمعی را افزایش می دهد.

• فرهنگ سازی اخلاقی: اخلاق، به عنوان یک سرمایه اجتماعی، می تواند قدرت انسان ها را در زندگی فردی و اجتماعی افزایش دهد.

۴. دین چگونه علم تولید می کند؟

علم دینی، علمی است که:

• واقعیت را کشف می کند (نگاه معرفتی)

• در عین حال، قدرت و فناوری تولید می کند (نگاه کاربردی)

اما متمایز از علم غیردینی است، چرا که:

• تنها به عوامل مادی نمی اندیشد، بلکه

• قوانین الهی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی را نیز در فرایند شناخت و عمل دخیل می داند.

بنابراین، علم دینی می تواند:

• قدرت بیشتری تولید کند، چون تمامی عوامل وجودی را در نظر می گیرد.

• ثروت بیشتری تولید کند، چون به سمت رشدی متعادل و پایدار هدایت می کند.

۵. دین چگونه ثروت تولید می کند؟

دین می تواند از دو جهت در تولید ثروت نقش داشته باشد:

• جهت دهی به ثروت: دین به ما می گوید که چگونه باید از ثروت استفاده کنیم و چه نیازهایی واقعی هستند.

• ایجاد سرمایه های معنوی و اجتماعی: اعتماد، امانت، همکاری و انسجام اجتماعی، سرمایه هایی هستند که می توانند به تولید ثروت منجر شوند.

۶. تفاوت قدرت دینی با قدرت علمی یا مادی

قدرتی که از دین ناشی می شود، ممکن است از نوع قدرت های علمی یا مادی تفاوت داشته باشد. چرا؟

• چون دین همراه با جهت گیری اخلاقی و معنوی است.

• چون دین عوامل فرامادی را نیز در محاسبات خود دارد.

• چون دین هم نگاه معرفتی و هم نگاه کاربردی دارد.

بنابراین، قدرت دینی می تواند قدرتی جامع تر و پایدارتر باشد. این قدرت، فقط به کنترل طبیعت نمی اندیشد، بلکه کنترل نفس، جامعه و رابطه با خدا را نیز در بر می گیرد.

۷. جهت گیری قدرت و ثروت

یکی از مهم ترین مباحثی که باید مورد توجه قرار گیرد، جهت گیری قدرت و ثروت است. قدرت و ثروت:

• می توانند در خدمت انسانیت و رشد جامعه باشند.

• می توانند در خدمت شیطنت ها و نزاع های بی پایان باشند.

دین، در اینجا وظیفه جهت دهی و معیار قضاوت را بر عهده دارد. علم و ثروت وقتی در خدمت انسانیت و سعادت جامعه باشند،

می توانند به تمدن سازی منجر شوند.

۸. علم دینی و تمدن اسلامی

اگر هدف ما ساخت تمدن اسلامی است، باید به دنبال علم دینی باشیم. چرا؟

• چون تمدن، فقط از فناوری و ثروت تشکیل نمی شود، بلکه از ارزش ها، اهداف و جهت گیری های فرهنگی نیز پدید می آید.

• چون علم دینی می تواند هم واقعیت ها را کشف کند، هم قدرت تولید کند، هم ثروت تولید کند و هم جهت دهی اخلاقی داشته باشد.

در مباحث فلسفی و اجتماعی، نقش علم به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تولید قدرت همواره مطرح بوده است. این یادداشت در پی بررسی دو نگاه عمده به علم — نگاه معرفتی و نگاه ابزاری — و ارتباط این دو با مقوله قدرت است. همچنین، نقش دین در تقویت و جهت دهی قدرت تولید شده توسط علم، به ویژه در چارچوب «علم دینی»، مورد تحلیل قرار می گیرد.

دو نگاه به علم: معرفتی و ابزاری

علم، از دیدگاه های فلسفی، دارای دو تفسیر اصلی است:

۱. نگاه معرفتی: در این دیدگاه، هدف اصلی علم شناخت واقعیت است. علم به عنوان ابزاری برای کشف حقایق پنهان جهان طبیعی و اجتماعی دیده می شود. این دیدگاه اغلب با مکتب های فلسفی متعالی همراه است که علم را به عنوان یک فعالیت انسانی با هدف ارتقا شناخت می پندارند.

۲. نگاه ابزاری: در مقابل، نگاه ابزاری به علم، علم را ابزاری برای دستیابی به قدرت، کنترل و مسلط شدن بر طبیعت و جامعه می داند. این دیدگاه در فلسفه هایی مانند پراگماتیسم و برخی جریان های عصر روشنگری برجسته شده است.

این دو دیدگاه در فلسفه علم و مباحث اجتماعی-سیاسی همواره در تعامل بوده اند. اما این پرسش اساسی مطرح است: چرا و چگونه علم قدرت است؟

علم و قدرت: زنجیره روابط متقابل

علم، به ویژه در دوره های اخیر تاریخ بشر، به عنوان یک منشأ قدرت شناخته شده است. این قدرت می تواند در قالب های مختلفی ظاهر شود:

• قدرت پیش بینی (مانند علم اخترشناسی قدیم)

• قدرت کنترل بر طبیعت (علم کاربردی)

• قدرت مقاومت در برابر سلطه (علم نظامی و فناوری)

• قدرت اقتصادی (علم صنعتی و فناوری)

دین و تولید قدرت

دین نیز می تواند در زنجیره تولید قدرت نقش داشته باشد. دین دارای گزاره هایی است که:

• گزاره های «هست و نیست» دارند (گزاره های شناختی)

• گزاره های «باید و نباید» دارند (گزاره های ارزشی)

اگر گزاره های دینی بتوانند واقعیت را کشف کنند، می توانند همانند علم، قدرت تولید کنند. مثلاً، گزاره های دینی درباره اخلاق، انسان شناسی و جهان بینی می توانند جهت دهنده فناوری ها و رفتارهای انسانی باشند.

در این رویکرد، دین نه تنها جهت دهنده قدرت است، بلکه می تواند خود منشأ قدرت باشد، چون به انسان کمک می کند تا نیازهای واقعی خود را بشناسد و در جهت برآورده کردن آنها حرکت کند.

علم دینی: تلفیق قدرت و جهت

علم دینی، تلفیقی از شناخت واقعیت (علم) و جهت دهی اخلاقی و معنوی (دین) است. این علم:

• از قوانین مادی استفاده می کند (مثل علم غیردینی)

• اما در کنار آن، از قوانین الهی و معنوی نیز بهره می برد

این دوگانگی باعث می شود علم دینی قدرت بیشتری تولید کند، زیرا:

• عوامل بیشتری را در فرایند شناخت و عمل دخیل می کند

• قادر است نه تنها نیازهای مادی، بلکه نیازهای معنوی انسان را هم برآورده کند

• این گونه قدرت را در جهت انسانیت و نه در جهت سلطه تولید می کند

قدرت دینی و قدرت غیردینی: مقایسه

قدرت دینی، با وجود اینکه ممکن است از نظر منابع مادی ضعیف تر باشد، از نظر استحکام و پایداری می تواند قوی تر باشد. چرا؟ چون:

• دین به انسان کمک می کند عوامل معنوی و الهی را بشناسد

• این شناخت به او اجازه می دهد در برابر شرایط غیرمنتظره (مثل بحران ها و جنگ ها) مقاومت کند

• دین، علم را در جهت انسانیت و عدالت هدایت می کند

بنابراین، قدرت دینی، قدرتی است که نه تنها از عوامل مادی، بلکه از عوامل معنوی و الهی نیز تغذیه می کند.

در مجموع، علم یکی از منابع اصلی تولید قدرت است. اما وقتی علم در کنار دین قرار می گیرد — یعنی وقتی علم به شناخت واقعیت می پردازد و دین به جهت دهی و تقویت این شناخت می پردازد — قدرت تولیدی این تلفیق، قدرتی پایدارتر، انسانی تر و عمیق تر است. این دیدگاه نه تنها به فلسفه علم کمک می کند، بلکه می تواند زمینه ساز درکی جامع تر از توسعه تمدنی، به ویژه در چارچوب تمدن اسلامی باشد.